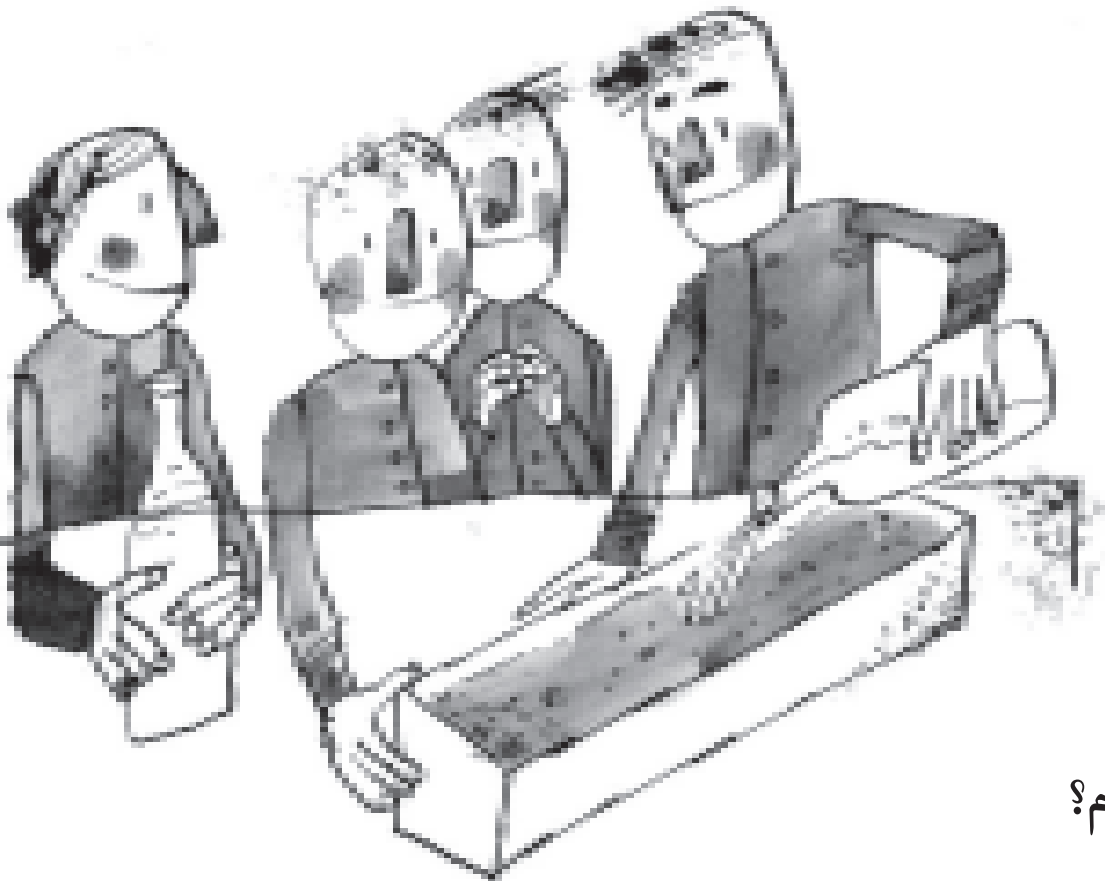


ما به مجرد آن که دستش به دهانش برسد، از شریک خود جدا می‌شود یا وسط مغازه تیغه می‌کشد! دانش آموز و دانشجوی ما هم «تکی» درس می‌خواند و «تکی» مقاله می‌نویسد! وزارت تعاون هم غریب است و چه بسا نام وزیر آن را هم نمی‌دانیم! راستی مشکل کجاست؟ شراکت و مشارکت چه عیبی دارد که از آن گریزانیم؟ تعاون چه ضرری دارد که منافع آن را خنثی می‌کند؟ آیا یک بار هم که شده، عیب و هنر مشارکت را در دو ستون متقابل نوشته‌ایم و به تحلیل منطقی نشسته‌ایم؟! ■

سود مشارکت: بعضی از ضرب‌المثل‌های فارسی جای تأمل دارند و اهل ادب باید چاره‌اندیشی کنند. می‌گویند: اگر شریک خوب بود، خدا برای خود برمی‌گزید! ممکن است بعضی شرکا فاسد و زیاده‌خواه از آب درآیند و این جمله در آن‌جا به کار رود، اما تعمیم

هر یک از ما با نگاهی گذرا به محیط و اطراف خود، حس می‌کنیم که در جامعه، روحیه‌ی «تک‌روی» بر روحیه‌ی «تعاون» پیشی گرفته است. این پدیده چیز تازه‌ای نیست و سابقه‌ی دیرینه دارد. کشاورز ما ترجیح می‌دهد نیم هکتار زمین داشته باشد؛ اما به‌طور مستقل برای آن بذر بخرد، بپاشد، آبیاری کند و بالاخره برداشت کند و به فروش برساند. صنعتگر ما دوست دارد دکانی هر چند کوچک، در محله‌ی صنعتی شهر داشته باشد و با ابزاری هر چند ابتدایی و با فعالیت بدنی سنگین، دست‌ساخته‌ی خود را شخصاً به بازار عرضه و با سود حاصل از آن گذران زندگی کند. پزشک ما دنبال آن است که هرچه سریع‌تر مطبی سرهم کند و به‌طور مستقل بیماران را ملاقات کند و نسخه بنویسد، اگر هم چند سالی با یک درمانگاه همکاری می‌کند، از روی اضطرار و کمبود سرمایه است. بازاری



حق داریم؟

آموزش و مشارکت جویی

محمد حسن مکارم

اگر فواید مشارکت به خوبی درک شود، همگان در موارد اختیاری نیز آن را برمی‌گزینند و بر «تک‌روی» ترجیح می‌دهند



یک نفر یک فکر دارد و ده نفر ده فکر. بدیهی است که احتمال خطا در عقل جمعی کم‌تر است، چرا که هر کدام از مشارکت‌جویان تجربه و نکته‌سنجی خاص خود را دارد و موجب می‌شود همه‌ی جوانب کار، قبل از اجرا بررسی شود. مجالس قانون‌گذاری و هیئت دولت دو نمونه از به‌کارگیری عقل جمعی است.

- سود اقتصادی بیش‌تر شود، چرا که هزینه‌ی تمام شده را کاهش می‌دهد. اگر ده کشاورز در یک روستا زمین‌های نیم‌هکتاری خود را یک‌پارچه کنند و یک‌جا تراکتور بیاورند، یک‌جا بذر خریداری کنند، یک‌جا کودپاشی و سم‌پاشی و یک‌جا برداشت کنند و به مراکز خرید منتقل کنند، همه‌ی هزینه‌های فردی آن‌ها کاهش می‌یابد و به اصطلاح اقتصادی، صرفه با Large Scale است.

در عمل هم شاهد هستیم که «ایده‌ی مشارکت» موفقیت بیش‌تری در درازمدت، از خود به جا می‌گذارد: خانه‌ای که هر قسمت آن را متخصص همان رشته بسازد، مقاوم‌تر درمی‌آید؛ عمل جراحی که به صورت تیمی انجام پذیرد، مرگ و میر در آن کم‌تر رخ می‌دهد؛ کتاب تفسیر قرآنی که با مشارکت ۹ عالم دینی نوشته می‌شود: مورد استقبال قاطبه‌ی مردم قرار می‌گیرد و با هر چاپ جدید، حق التالیف شرکا نیز مجدداً پرداخت می‌شود.

■ تربیت روحیه‌ی مشارکت: حال که برتری تعاون و مشارکت بر تک‌روی و تک‌محوری روشن شد، از کجا شروع کنیم؟ به نظر می‌رسد بهترین جا «مدرسه» است و بهترین دوره، دوره‌ی راهنمایی تحصیلی است. بچه‌ها در این سن، دوره‌ی کودکی و لجاجت را پشت سر گذاشته‌اند؛ حرف شنو، نظم‌پذیر و مسالمت‌جو هستند و بیش از دوره‌ی متوسطه، شکل‌پذیری و الگویابی از خود نشان می‌دهند.

نقش معلم در این تحول تربیتی، پایه‌پای نقش کتاب درسی اهمیت دارد. هم‌اکنون که وزارت آموزش و پرورش در تدوین کتب درسی رویکرد مناسبی دارد و در متن کتاب‌ها و حل‌تمرین‌ها و صفحه‌پردازی دروس، مشارکت فراگیرندگان را مدنظر دارد و دانش‌آموزان را به هم‌اندیشی پیرامون محتوای دروس فرامی‌خواند، به طوری که با کار گروهی و تیمی، به یادگیری مطالب همت‌گمارند، حال نوبت ما معلمان و مربیان است که در روش تدریس خود انعطاف نشان دهیم

آن به دلایل گوناگون غلط است؛ از جمله این‌که عدم وجود شریک برای خداوند، دلایل قوی کلامی و فلسفی دارد و شرک است که کسی خود را مثل و ردیف خدا قرار دهد (لیس کمثله شیء)؛ هم‌چنین ادبیات ما مملو از لغاتی است که شراکت و لزوم اجتماعی آن را از دیرباز تأیید کرده است. کلماتی مانند: هم‌کلاسی، هم‌کار، همسر، هم‌شهری، همسایه و... که هر کدام نشانگر نوعی مشارکت و هم‌زیستی است.

نمونه‌های فوق ممکن است جبری و اجتناب‌ناپذیر باشد، سخن در این است که اگر فواید مشارکت به خوبی درک شود، همگان در موارد اختیاری نیز آن را برمی‌گزینند و بر «تک‌روی» ترجیح می‌دهند. مشارکت باعث می‌شود که:

- عقول جمعی به جای عقل فردی به کار گرفته شود؛



اشاره

سلسله مقالات «حق داریم؟» از باید‌ها و جنبه‌های ایجابی مسائل تربیتی متربیان، که برعهده‌ی معلمان و مربیان است، سخن می‌گوید. از این‌رو در این مقاله به بحث «آموزش و مشارکت‌جویی» پرداخته شده است.

تصویر ساز: فریدالدین ملایی

و با برگزیدن روش‌های جدید تدریس و کنار نهادن شیوه‌های سنتی و معلم محور، زمینه را برای مشارکت‌جویی فراگیرندگان در روند تعلیم و تعلم فراهم آوریم. امروزه، معلم را «تسهیل‌کننده‌ی مراحل یادگیری» و نه انتقال‌دهنده‌ی علم تعریف می‌کنند؛ معلم راهنما و دست‌گیر است، نه القاکننده و تزریق‌گر. شاگرد باید خود برای رسیدن به علم تلاش و مشارکت کند، درست مانند کسی که می‌خواهد شناگری بیاموزد؛ آیا او بدون دست و پا زدن و بدون ممارست و تکاپو به چنین مهارتی می‌رسد؟!

سال‌هاست که در مراکز تربیت معلم سراسر کشور، درسی به نام «روش‌ها و فنون تدریس» به دانشجویان ارائه می‌شود و آنان به انواع راه‌های نوین تدریس، اعم از پرسش و پاسخ، ایفای نقش، بحث گروهی، بارش مغزی و غیره آشنا می‌شوند و علی‌القاعده در درس عملی معروف به «تمرین معلمی» یا «کارورزی» از تجارب معلمان پیشکسوت در مدارس بهره می‌برند و کتاب‌های کمک‌درسی نیز در کتاب‌خانه‌ی مراکز در اختیارشان قرار می‌گیرد تا با مبانی روش‌های نوین آشنا شوند^۱، اما باز نتیجه مطلوب گرفته نمی‌شود.

در این خصوص ذکر دو توصیه را در این راستا خالی از فایده نمی‌بینم:

الف) درس مذکور در مراکز جدی‌تر گرفته شود و نیز مدرسان، و دانشجویان کارورزی را به مدارسی ببرند که دبیر محترم از روش‌های فعال و نوین تدریس استفاده کند تا آنچه را در مراکز می‌خوانند، با آنچه در مدارس می‌بینند سازگار و عبرت‌آموز باشد.

ب) همکاران جوان نیز با یک همت عالی و عزم جزم، از همان سال اول تدریس، به روش‌های فراگیر محور روی آورند تا خروجی ما از مدارس، بچه‌هایی باشند که آثار مفید مترتب بر «عملکرد مشارکت‌جویانه» را در کلاس درس چشیده باشند و در آینده که وارد جامعه و بازار کار می‌شوند، به تک‌روی و تک‌محوری گرایش پیدا نکنند.

چه عیبی دارد فراگیرندگان را به نوشتن مقاله‌ی پژوهشی تیمی (نه انفرادی) سوق دهیم؛ آنان را به صورت تیمی پای تخته سیاه بیاوریم و با مشورت و همفکری به حل مسئله پردازند؟ چه اشکالی دارد کار عملی و کار گروهی دسته‌جمعی برای آنان معین کنیم و به صورت گروه‌های سه یا چهار نفره به آزمایش پردازند؟ چه طور می‌شود اگر روحیه‌ی تعاون و

مشارکت را در آنان تقویت کنیم به طوری که حتی ارزش‌یابی پایانی را نیز به صورت تیمی جواب دهند و بحث‌تقلب و سوءاستفاده برای همیشه به کنار رود. چه می‌شود اگر چهار نفر با هم مشارکت کند و به یک برگه‌ی امتحانی به طور مشترک پاسخ دهند و نمره‌ی یکسان بگیرند؟ در این حالت، هر یک از اعضای تیم، خود را در سرنوشت تیم سهیم می‌داند با هم گروه‌های خود نهایت تلاش جمعی را می‌کند. البته هر کدام باید بتواند از کار مشترک به عمل آمده و چگونگی آن دفاع کند. چه عیبی دارد اگر ملاک‌گزینش دانشگاه‌ها نیز کار گروهی و نتایج آن در نظر گرفته شود؟ بدیهی است شرکت افراد در گروه‌ها باید با انتخاب خود و راهنمایی معلم باشد، تا سختی‌ها و علاقه‌ها با هم جمع شود و شاهکار به وجود بیاورد.

منظر دین: جالب است بدانیم در مباحث اخلاقی نیز که برخاسته از متون دینی ماست، به طور دائم به تشریک مساعی و مشارکت ترغیب شده‌ایم، تا جایی که فقه اسلامی نیز مبحث مفصلی به نام «کتاب الشریکه» دارد و اقسام معاملات مبتنی بر شراکت را طرح کرده است.

در قرآن کریم می‌خوانیم: *تعاونوا علی البر و التقوی^۱ و لاتعاونوا علی الاثم و العُدوان^۲*؛ طبق این آیه‌ی شریفه در هر کار مثبت و سازنده‌ای، چه اقتصادی، چه فرهنگی، چه سیاسی، ملاک مشارکت است. همان‌طور که در کارهای مثبت، مشارکت نتیجه‌ی تصاعدی به همراه می‌آورد، در کارهای منفی هم نتایج سوء آن چند برابر است، لذا قاطعانه از تعاون در حرام منع شده‌ایم، چرا که شریک در جرم محسوب می‌شویم.

امیر مؤمنان علی (ع) نیز در نهج‌البلاغه‌ی شریف فرموده است: *مَنْ اسْتَبَدَّ بِرَأْيِهِ هَلَكَ، وَ مَنْ شَاوَرَ الرَّجَالَ شَارَكَهُمْ فِي عُقُولِهِمْ^۳*، کسی که خودمحوری کند، هلاک می‌شود (و کارش به تباهی می‌کشد)، و آن‌که با بزرگان مشاورت و مشارکت فکری کند، از درایت و عقل آن‌ها بهره می‌برد.

امید است با یک حرکت جمعی، معلم و متعلم ما به پرورش خصلت «مشارکت‌جویی» و «تعاون» در خود و دیگران روی آورند و به زودی فارغ‌التحصیلانی را ببینیم که به جای آرزوی استخدام در ادارات دولتی، با انتخاب کردن شریک و روی هم نهادن سرمایه‌های کوچک، تعاونی‌های موفق و سودآور راه‌اندازی کنند و پرونده‌ی «تک‌روی» برای همیشه بسته شود.

زیرنویس

۱. سوره‌ی مائده: آیه‌ی ۲.
۲. نهج‌البلاغه: حکمت ۱۶۱.

منابع

۱. شعبانی، حسن. مهارت‌های آموزشی. تهران: سمت، ۱۳۸۲.
۲. آلیس، سوزان. آشنایی با یادگیری از طریق همیاری، طاهره رستگار، تهران: نی، ۱۳۸۱.

